



خب شریعتی زیاد حرف زده است درباره همه چیز و همه کس، حرف‌های خوبی هم زده است. حالا چه اشکال دارد اگر برخی حرف‌هایش دستمایه جوک قرار گیرد؟» در کنار اینها اما به صفحاتی هم برخورد می‌کنید که بعد از رواج جوک‌ها و در پاسخ به هجویه‌ها به وجود آمده‌اند با عنوان‌هایی چون «تحریم جوک‌های دکتر شریعتی و شخصیت‌های برجسته» یا صرفاً «تحریم جوک‌های دکتر شریعتی». این صفحات اما هنوز نوظاهستند و تعداد دوستانشان اندک. در پست یا عنوان آغازین یکی از این صفحات آمده است: «جدیدا مد شده هر جفنگ و مزخرفی به دهن هرکس می‌آید یک «دکتر شریعتی» به آن می‌چسباند. نمی‌دانم اسم نسل پر ادعای خودمان دهه شصتی‌ها را چی بگذارم (به کسی بر نخورد لطفاً). نسلی طلبکار از عالم و آدم که وقتی پای منافع خودش پیش می‌آید پشت پا می‌زند به همه آن چیزهایی که به خاطرش مدعی بوده و سینه سپر می‌کرده است. حتی حاضر نیست برای یک لحظه هم که شده به حرفی که می‌زند یا کاری که می‌کند فکر کند که شاید، گاهی، روزی، لحظه‌ای ممکن است خیلی هوشمندانه و مرموزانه از نقطه ضعفش برای زیر سوال بردن تمام خواسته‌هاش و آرمان‌هایش طوری استفاده کنند که خودش هم به ریش خودش بخندد. این نسل که به این راحتی شخصیت‌های مورد احترام خودش را به سخره می‌گیرد، اصلاً نمی‌تواند نسل سرنوشت ساز و آینده‌سازی باشد.» در صفحه دیگری با عنوان «من جوک با درون مایه علی شریعتی نمی‌فرستم» مسول صفحه طی نوشته‌ای به علت یابی پدیده تمسخر و جوک‌سازی برای شریعتی پرداخته. او معتقد است این حرکت ناپسند از آنجا شروع شد که تعدادی از دوستان بدون آگاهی و البته به خاطر علاقه به دکتر شریعتی شروع به پخش جملاتی بدون ذکر منبع از دکتر شریعتی نمودند، «این نوع جملات سخیف و زننده که بی شک حاصل فکر بیمار دشمنان دکتر علی شریعتی است نمی‌تواند ذره‌ای به شخصیت ادبی، سیاسی و انسانی ایشان ضرری برساند، آنچه آسیب می‌بیند فرهنگ ماست...» یک نفر هم در همین صفحه نوشته است: «با تشکر از حرکت بسیار به جایی که انجام دادید... ولی من فکر می‌کنم این حرکت سازماندهی شده و برنامه‌ریزی شده از طرف عده‌ای است و خیلی بعید است که حرکتی به این شکل اتفاقی و خودجوش بوده باشد.» نویسنده یک وبلاگ هم شاکلی است از اینکه: «زمانی وقتی می‌خواستیم یک پیامک دلنشین برای دوستی بفرستیم سراغ گفته‌های دکتر شریعتی می‌رفتیم. وقتی کسی دلش گرفته بود و نیاز به راهنمایی و کمک داشت از حرف‌های دکتر شریعتی استفاده می‌کردیم؛ اما حالا آنها را جوک کرده‌ایم برای هم می‌فرستیم و باهم می‌خندیم. ما کم کم جوک قومیتی داریم حالا هم که جدیداً برای دکتر شریعتی جوک می‌سازند. کسی که مهم‌ترین دغدغه زندگی‌اش همین مردم بودند لاف‌ها را برای باورهای دیروز، امروز و فردای خودمان ارزش قائل باشیم.» بازدریای نوشته‌ای در تارنمای دیگری می‌خوانیم «شریعتی دوست دارد بخندد؛ ولی نه به دیگران نه به ارزش‌ها نه به قومیت‌ها نه به مشاهیر چقدر ما بی‌بها شدیم...» و همه اینها دلیلی می‌شود تا بسیاری، همه چیز را به نسل سومی‌ها و مصداق اسطوره‌زدایی از شخصیت‌ها یا حتی اسطوره‌ستیزی بدانند، اینکه وقتی پیامک‌های تمسخر آمیز دکتر شریعتی در گوشی تلفن همراه هر جوانک روستایی و شهری قابل مشاهده است نشان از زمینه‌های اجتماعی تابو شکنی است که در زیر پوست شهر نفس می‌کشد و به صورت خزنده جریان پیدا می‌کند. می‌گویند انتقامی است که این نسل با همه خواسته‌ها و ویژگی‌های خودش کم کم از نسل‌های قبل می‌گیرد؛ آن هم بدون اینکه پای هیچ نیت عامدانه یا کینه توزی شخصی درکار باشد، می‌گویند همه چیز مثل یک شوخی ساده است. آنها کاری به آرمان‌ها و اسطوره‌های نسل پیش ندارند این هم شبیه یکی از چندین موج اجتماعی هجو یا جوک‌سازی است که هر از گاهی درباره شخصیتی به راه می‌افتد، و اضافه می‌کنند که یکی از مهم‌ترین ابعاد مدرنیته طبعاً انتقاد در همه اشکال و شدیدترین انواع آن است که نباید و نمی‌توان با توهین یکی تلقی شود، و پذیرش «شوخی»، «طنز»، «جوک» و غیره نیز از همین ابعاد است. داشتن جامعه‌ای که افراد در آن نخندند امری است کاملاً در حد غیر ممکن، و حتی می‌توان گفت هر اندازه جامعه‌ای به موقعیت خاصی نزدیک شود که «چیزی برای خندیدن» در آن وجود نداشته باشد، به پایان فرهنگی خود نزدیکتر شده است. یک جامعه باز و آزاد و دموکراتیک که در آن هنر و اندیشه و فرهنگ در شکوفایی بالایی هستند، جامعه‌ای است که قاعدتاً باید مردمانی شاد و با قابلیت بالای تحمل «شوخی» و «طنز» داشته باشد. و تاکید می‌کنند که گاهی مرزهای میان انتقاد طنز آمیز با توهین در لوای شوخی و خنده گاه بسیار پیچیده و مبهم است. در مقابل عده‌ای دیگر اما آن را نه یک شوخی ساده که مصداق توهین می‌دانند و تمسخری این چنینی را برنامه‌ریزی شده با هدف تخریب شخصیت و کم‌رنگ ساختن تأثیر اجتماعی سیاسی علی شریعتی در بین چندین نسل قلمداد می‌کنند. از نظر آنان این کار نمی‌تواند خودجوش باشد و حتماً اهدافی پشت قضیه هست. سخن این دسته از آن ناشی می‌شود که معتقدند این موج یک تفاوت عمده و محسوس با موارد قبلی هم دارد این که برای نخستین بار دست به نیش قبر کسی زده می‌شود که بیش از ۳۰ سال از حذف فیزیکی‌اش می‌گذرد. اگرچه سخنانش دست به دست می‌گردد، کتاب‌هایش بازنشر می‌شوند، مرید و نقاد می‌پرورد و تاثرات اندیشه‌ای‌اش هنوز محل مناقشه بین عوام و روشنفکران است.